

# هادی نامه

ارج نامه مقام علمی و فرهنگی  
استاد سید هادی خسروشاهی

(۵۴ مقاله)

به مناسبت چهلمین روز درگذشت استاد خسروشاهی

به کوشش  
رسول جعفریان

فروردین ۱۳۹۹

عنوان و نام پدیدآور	: هادی نامه: ارج نامه مقام علمی و فرهنگی استاد سید هادی خسروشاهی، به کوشش رسول جعفریان.
مشخصات نشر	: قم: نشر مورخ، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	: ص: ۱۰۷۹ مصور
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۰-۵۷-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: ارج نامه مقام علمی و فرهنگی استاد سید هادی خسروشاهی
موضوع	: خسروشاهی، سید هادی، ۱۳۱۷ - ۱۳۹۸ - یادنامه ها
موضوع	: Khosrowshahi, Seyyid Hadi -- Festschriften
شناسه افزوده	: جعفریان، رسول، ۱۳۴۳ - گردآورنده
شناسه افزوده	: Jafariyan, Rasul
رده بندی کنگره	: DSR ۱۵۶۸
رده بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۰۸۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۲۲۴۲۴

یکصد و پنجاه نسخه از این کتاب با حمایت  
معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است.



هادی نامه: ارج نامه مقام علمی و فرهنگی استاد سید هادی خسروشاهی  
(به مناسبت چهلمین روز درگذشت)  
به کوشش: رسول جعفریان (استاد دانشگاه تهران)  
نشر مورخ: قم، ۳۷۷۳۱۳۵۵-۰۲۵  
نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۹  
شمارگان: ۲۰۰  
قیمت: ۱۵۵ هزار تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۰-۵۷-۵

## چند سند در باره جسارت و هابیه به بقیع شریف

منوچهر صدوقی سها

هو الحق

خبر رسید که برخی از دوستان وفادار سید اصیل جلیل نبیل دانای راد آزاده مرحوم مبرور آقا سید هادی خسروشاهی که خاک پاکش از ریزش ابر رحمت سیراب باد، در مقام نشر بزرگداشت نامه ای بهر آن نازنین برآمده اند، و من بنده نیز می باید داخل آن مجمع نیکان آید؛ و هر چند که نگفته پیدا است که حدوث این بلیّۀ جهانی کورنا هدم اسر بنیانه چه بر سر آدمیان آورده است تا بدان جایگاه که بسا کسا که از اندوه آنان، نمی داند که چه می خواهد و چه می کند و چه می گوید، باز به کارسازی کردگار بنده نواز خواستم و توانستم که و لو به پریشانی، اندکی خامه بر نامه بگریانم تا مگر آبی بر آتش درون گداز آن رحلت جانسوز آن هم بدین هنگامه و بل که "طامة کبری" زند، و چنینم در دل افتاد که پردازم به مطلبی که می داند ذکر آن موجب فرح و سرور آن نفس قدسی می افتد ان شاءالله.

و این است آن که سیّد اید بدین اواخر رساله ای منتشر گردانید در باب مشروطه و مشروعه که از سر افسوس، نام آن فرا یاد نمی آورم، و امکان مراجعه ای نیز نمی دارم و بدان رساله مرقومه ای آورده بود از «هیئت مخفیة نجف اشرف» در مخاطبت با رؤساء علمای وقت تبریز، و چون آن بدیدم فرا یاد آمدم که مرقومه ای نیز از همان «هیئت مخفیة» خطاب به عمّنا الامجد و خالد الممجد مرجع عظیم دینی و پیشوای جلیل ملّی عصر خویش عالم ربّانی آقا میرزا علی اکبر مجتهد اردبیلی اعلی الله شأنه متوفای ۱۳۰۶ خورشیدی و ۱۳۴۶ قمری و مدفون به صحن مطهر حسینی، علی مشرفه السلام، به دست ما است، و کویپۀ آن نیاز معظّم له = > مرحوم خسروشاهی < نمودم، و چنین شنیدم که به حالی خوش بفرمود که «در چاپ دوم» و معلوم است که مراد، آن می داشت که در چاپ دوم آن رساله بدین نامه هم می خواهد پرداخت و لکن افسوسا و دریغا و اندوها

...

فرشته ای است بر این آسمان نیلی گون  
 که پیش آرزوی بیدلان کشد دیوار  
 باری ایدونا چنین می افتد که به استطراد معنای مذکور، روی کنم در ارائه چهار سند مهم  
 مربوط با آن بزرگوار => اردبیلی اعلی الله شأنه< و نقل برخی مطالب آن ها معنون به عنوان خارج  
 نویس، در باب وقعه میشوم جسارت وهابیه به بقیع شریف - زاده الله شرفاً - بدین توضیح که یکی  
 از چند واقعه مهم اواخر حیات معظم له همچون واقعه اصدار حکم جهاد علیه قشون متجاوز  
 بلشویک روس منحوس به ایران به سال ۱۲۹۹ خورشیدی، و دیگر واقعه تبعید آن بزرگوار به عتبات  
 عالیات از سوی پهلوی اول به سال ۱۳۰۵ خورشیدی که البته از پی ورود به زنجان با اقدامات  
 وسیع مراجع عتبات عالیات از قبیل حضرات آقا سید ابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی و میرزا  
 علی آقای شیرازی پور میرزای شیرازی، و همچنین زعمای داخل همچون حاج امام جمعه خونی و  
 آقا میرزا صادق آقای تبریزی و آقا سید ابوالحسن آقای انگجی و نایب الصدر زنجان طابت ثرایهم  
 منتهی به بازگشت به اردبیل افتاد، همانا اقدام در همان وقعه میشوم => جسارت وهابیه به بقیع  
 شریف< بوده است، و چهار سند مورد ارائه راجع است به وقعه میشوم مزبور به شرح آتی:

۱

سند دارای شماره ۱ مرقومه ای است از آقا شیخ عبدالکریم زنجانی غروی طاب ثراه، از اعظام  
 مراجع عصر به نجف اشرف در مخاطبت با آن بزرگوار => اردبیلی طاب ثراه< که بدان از پی اخبار  
 به حدوث جنایت وهابیه، من جمله می آید:

«... چون اخذ نتیجه در این مسئله مولمه، منوط به یک نهضت اسلامیة عمومیّه و تضاعد و  
 تساعد رؤساء دین مبین و طراز اول اعلام مسلمین می باشد، و لله الحمد نفوذ کلمه و ریاست  
 اسلامیّه در ایران برای وجود مبارک است، وظیفه حتمیّه حضرت مستطاب عالی دامت برکاته است  
 به دولت و ملت، و جوب اعاده عزّ اسلامی را اعلان فرموده، بهر کیفیت که در نظر مبارک اصلح  
 است اقدامات کافیه بفرمائید و مرجو است نتیجه اقدامات سامیه را و نظریات مقدسه و مقتضیات  
 افکار عالیّه در کیفیت تعقیبات مسئله و وظایف هیئت علمیّه در عتبات عالیات آن چه باشد  
 دستخط فرموده عموم را قرین امتنان خواهید فرمود، عزّ الله تعالی بوجدکم الاسلام و ردّ بکم کید  
 الزنادقة اللّثام و ادام ظلّکم علی المسلمین و کافّة الانام و السّلام علیکم و رحمه الله و برکاته.  
 الاحقر عبدالکریم الزنجانی الغروی».

بسم بر این ایم

در حق حق تعالی و در حق سرکار ابراهیم  
 نبی خاتم النبیین و جبرئیل علیه السلام و جبار فرشته کافره  
 خدایم بر آن و منبر ایمان خفته نبیره بنی هاشم است بقیع مسلمین و حرم مطهر  
 عمر شریف بنی هاشم است بر این دارکان و حجج اسلام است این کلمه مبارکه  
 کلمه امانه در این موضع با تفاق از این مردان محقق است که این فرزند ایلان را از این  
 درگاه برارها با نظار سیدیه در ملک مسلمین نموده ایم و جواب رعبه از حضرت  
 رسیده است اکنون در وقت این آفرینات نزول حدیث است که چون فرزند خود را  
 مقدر نموده بیک نطفه هدیه عورت و در صورت عدم رد آن طراز اول است  
 چشمه و در نظر خود کلمه در است سعادت در ایران بر این و خوب است که در  
 حضرت علی است که در وقت جدت و جود اعانه عز سید علی است  
 بر کتبی که در نظر برک است در آن است که فرموده است در حدیث خود که  
 سید را در نظر است که در وقت صفیات فلک را که در کتب است  
 و در آن است علم در جبارت عدالت و نبی است که در آن است علم در آن است  
 خدایم خدای عز و جل که در آن است علم در آن است که در آن است علم در آن است  
 طعمت علی است که در آن است علم در آن است که در آن است علم در آن است

## ۲

سند دارای شماره ۲ تلگرام آن بزرگوار است به شاه وقت که من جمله مشتمل است بر مطالب آتی:

«... حال اگر به شکرانه این مرحمت عظیمه شعائر اسلام را ترویج و قواعد خارجه را مرتفع و در حفظ ناموس ائمه طاهرين ... با سؤال و جواب دولتی اقدامات کامله بفرمائید ... به تجدید آبروی اسلام، نتیجه عظیمه از این سلطنت تحصیل خواهید فرمود، و اگر اعداء دین مبین را که خارج از عقاید اسلامیّه بوده شغل آنها اغواء مسلمین است، به حال خود واگذاشته از حفظ ناموس شرح متین تغافل فرمائید، عزت پنج روزه منقضى مثل سابقین به تأسف منتهی خواهد شد. چون تکلیف این پیره مرد تبلیغ احکام الهی است جلّت عظمته، به اطاعت مالک یوم الدین جلّ جلاله دعوت نمود ... و ما علی الرسول الا البلاغ. علی اکبر».

## ۳

سند دارای شماره ۳ جواب شاه => پهلوی اول< است به تلگرام مزبور به شرح آتی:

«جناب مستطاب حجة الاسلام آقا شیخ علی اکبر مجتهد دامت افاضاته، از مدلول تلگراف جنابعالی مبنی بر اظهار احساسات نسبت به فجایعی که از طرف طایفه وهابیه به بقاع متبرکه ائمه بقیع علیهم السلام وارد آمده است مسبوق شدیم. این مسئله از نقطه نظر جنبه دیانتی و حفظ شعائر اسلام مطرح نظر و مکنون ضمیر ما بوده ... هیئت دولت و مجلس شورای ملی نیز مقررات ما را متذکر و مشغول مطالعات در اطراف امور هستند. هر نتیجه را که اتخاذ نمایند البته در اجرای آن اوامر لازمه صادر خواهیم نمود. نمره ۱۰۳۰۸ ... ابان، شاه».

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور پور که اعلیٰ حضرت سلطان مسلمانان را برده اند غرض از اینست که نصرت و یاری بفرستند و عدل و کرامت در عظیم  
 ترین بین اسلام سبب بد غیر بوده و بجز غلبه بر او باقی نماند و اینها را در میان خود فرستادند و اینها را در میان خود فرستادند  
 زن و مرد از شیخ الاسلام بر غلبه بود و غلبت نام و نام بقدر احد فرجه در زمین اند و حضرت زکریا را در میان خود فرستادند  
 یمنند در عتبات آن بتدبیر اسلام بگفتند که حال آنکه غرض از اینست که اینها را در میان خود فرستادند و عدل و کرامت در عظیم  
 یصلد بنا پیش از آنکه از میان خود فرستادند و اینها را در میان خود فرستادند و عدل و کرامت در عظیم  
 محو کرده و با کمال یکای نموده اند و از جمله حقن آخر الزمان بوده از طریق ظهور حضرت صاحب الامر است  
 پس در این عظیم عظیم با بد منتظر ظهور آن حضرت صواب است که در مدینه عید و از آنکه اهل این بوده ایم و آنقدر است از  
 ایته بقر عدله تمسقا که نموده قرآن هم با کمال تمام و کمال است و از آنکه اینها را در میان خود فرستادند و عدل و کرامت در عظیم  
 میسر فرموده اگر بشکرت این عظیم عظیم را در اسلام و در آن در یک قواعد خارج را در رفع در خطبه با آنکه ظاهر  
 صحت آنکه میهم همین بوده ایته بقر عدله و اینصورت آنکه فرسخ خیره آنکه لغو غریب اعمال نامش نموده با  
 جراب در تراکات لایحه بفرماید بر دام غرت و نیزه دین سعادت لایحه اخروی در کفر که با صفت  
 با جرد در در بوده بجزر ما بر در اسلام آنچه عظیمه از این عظمت بجزر خواهد فرموده در اعداد و دین  
 که خارج از عقاید است و در نزد آنها اعزاء میماند کمال خود را که است که در حفظ نامش است  
 تا در فریاد غرت بخورد و بجزر منرب بقیع با تلف منرب خواهد بود چنانکه بقیع لغز بره در است  
 احکام الهی است که با اعلیٰ است با کمال یرم آلدن بقر عدله دعوت نمود و قال آنکه غرض از اینست  
 سخن ده الهی در سخن دادند که با نظر و ادراک از آن و آنهم غیر با تمکون و نام از این است که با

جناب سبط عمه پنجم کاتب معجز که مجدداً است افاضه از مد نظر طرف جناب عالی عنبر  
 بر اخطار حساسات نسبت به فیض از طرف طایفه و کاتبه به بقیع متبرکه که آنکه بقیع علیهم  
 دارد آینه است بمشوق شایسته اینجاست مستند از نقطه نظر جنبه و یا نیز و حفظ شاعر سلیم نظر  
 و کمونی غیر با هیچ دولت اهمیت است و نهم شود از غایت مقررات را است که در  
 مطابقت در طرفان امور مستند هر شجره راه از کار نمانند البته در اجراء آن را در مدینه  
 نوزدهم نوامبر ۱۰۳۰ هـ و این شاه  
 محمد قاسم خان





حضرت پسر بنام دهر بنی مظهر را که در کتب قدیم  
 این موافقت را اندر او بر مدهین استدم و در وقت از دست عثمانیه دولت افغان برده شد حال هر روز  
 این نام این خود آثار آینه کجاست نمود و بر فرض قهر نموده به باغچه انیس بر آید چه درت کفر تم تحفه نموده  
 داشتند واقع شد در اسلام از سر آینه خواند انان در این موافقت است اما حضرت جده امیرتای فرزند از مال پسر  
 علیه السلام گفت نیست (بند آینه استم جواب مده فرزندم مع لطف از بهین خود عباده اعلم زبان است  
 نوشته اند بر بعضی از مکه نام عرض نمود حضرت رب الهه قبت عطفه فرزندم حسین درت فرزند  
 و کریم مظهر مبارک حضرت کتاب سدا اللام مروج اهد حکام جبهه اهد ستم تا شیخ اهد ستم درت بر آید  
 برین در کتب کتب مذمت با قبت علیه علیه حاجیه خانم دست خفته و مهم لایک ده راز لایک  
 و مهم الی حد زوره جلیه سم بر بنده است عاقله لای بزرده سدا عمری و دوسر از ضمه اهد ستم  
 خوابید فرزند مذمت با مکه جناب کتاب نیز کتاب الالم البرانی و انشاء الله تعالی زمین است  
 عبد ذناب شیخ عاقله لای ابعرض ستم مخصوص صحیح می باشد تا اهد ستم لایک  
 و عاقله اجداب سدا عظم خواهد فرزند مظهر جواب و اسلام علیه در حقه اهد در لایک کتب صحیح است

سند دارای شماره ۴ مرقومه ای است از آن بزرگوار => اردبیلی طاب ثراه < خطاب به آقا میرزا ابوعبدالله زنجانی طاب ثراه دارنده تاریخ القرآن و من جمله مشتمل است بر این که:

«... محرمانه به محضر عالی دامت برکاته عرض می نمایم در اوائل ربیع الاول پاکتی از مجمع علماء اعلام کربلاء معلی بداعی رسید در خصوص قضیة طائفة خبیثة وهابیه و حاصل مضمون این بود بدولت مخابره شود. داعی عین پاکت را فرستادم به تبریز به آقایان نوشتیم که به سلطنت تلگراف نمائید و عموم اهل تبریز بویکل خودشان تلگراف نمایند و از سلطنت خواهش نمائید که با دولت انگلیس سؤال جواب نمایند و تفصیل سؤال جواب را هم مفصلاً نوشته بودم و جواب علماء اعلام را نوشتیم که تفصیل را به تبریز نوشتیم. بعد از تلگراف ایشان داعی هم به سلطنت تلگراف نموده تکلیف را معین می نمایم. جواب از علماء اعلام رسید که مداخله خارجه اسباب فساد است بلکه باید به بلاد بنویسید که سلطنت را مجبور نمایند که با سلاطین اسلامی متحد شده ید عادیة وهابیه را قطع نمایند. این نحو مصلحت بینی در نظر داعی خیلی مشکل می آید زیرا که قطع ید عادیة محتاج به مدافعة دولت انگلیس است و سلطان حالیه قدرت این مدافعه را ندارد و سایر سلاطین اسلام که عبارت از دولت عثمانیه و دولت افغان بوده باشد حال هر دو معلوم است آنها هم این نوع اتحاد را قبول نخواهند نمود و به فرض قبول نموده به مدافعة انگلیس برآیند. البته دولت کفر هم متحد شده محاربه بین الکفر و الاسلام واقع شده از اسلام اثری باقی نخواهد ماند و این محاربه تکلیف امام عصر عجل الله تعالی فرجه در زمان غیبت امام علیه السلام تکلیف نیست لهذا نتوانستم جواب معروض نمایم».

ختم کلام هم به ارائه صورت همان مرقومه «هیئت مخفیة نجف اشرف» است به شماره ۵ در «اختلال اوضاع نقاط ایران و ابتلائات فوق العادة اهالی آذربایجان خاصه مصائب جانگداز اهل تبریز» و مربوط است به دوران استبداد صغیر و یعنی روزگار سلطنت محمد علی میرزا.

۲۰۰۰ ساله و همسایگ حاکمان در صحت و اعتدال نصیب  
 محمد مصدق

در روز پختن حال اسلامیان در خندل اوضاع نقاط ایران و در جلافت فرق الله و آقا  
 خاصه مصائب جانمند در تیره تیره ستمین آفت و چو کاس سینه را بکس بنهم بکس میران  
 صاحب شرف و نوری که داشت حضرت محمد صوات علیه و آله را در کربلا فلا شش ماه تمام در آن  
 در این سخن تسلیم جویند مقول در اول شهرت اجراض حرکت و تپش فانی که در آن  
 در گمان در آن بردت تمام از بردباری محط و غلبه بالا گرفته ناز و جری بقصد مستر ناله  
 نغمه بان غنچه فراگشته من لبش بر سره تندیات قسوس در لریه قریه در زاید جعفر نام بر سر  
 سرور آفرین و دلیج و دگر در حوز و در کرد و دیلات در و پیر و شهن و خرم و فاکه نیند نام خدی  
 دستا شسته بر آوردن دینی بگوشه سنا کسیر سینه و اینج ناله فریاد است بجا کاله در کفای نام  
 تندیات فانیان سوز در لیسای از حد و بجز محمد در قایم بقیه سینه نیده یا غیر و لکن نام بر آورد  
 محمول لقم نیندشته دعوت و دعوات مطمین و کجا و لکن فراتر میسازد اینه شکر  
 در صبح بجز در هر روز شکر تمام از این مقامه و لکن تمام شکر  
 در چند نفر از در بیان خاص و بعضی از در ملاکات از سینه شکر در دست و کجا در دست  
 بر اینج خاک سیاه نیندش هر بلایح ایکنه در در دفع سطنس متخلف و در دست  
 سر دطیت در بر و در این مفسر مرتب شکر و از دهان کس خون در نمایم  
 شاه عالیله در در یک سطنس نشسته و زمام در سربوت گرفته سر دطیت در دست  
 با غرض فاسد خودیم در ظاهر صورت از نفس نفهم در در اینج با شکر لقمه  
 کز دست تمام نقاط سوز میزند کوب و مرج و مرج و هر چه شکر است مضامین

در عهد شریف محکم عیاد و ایلدات بود همه اطراف بر حلیه و دیسه تمام عیار و ایلدات  
 در قرنی و دوات و تصبغاتی چایس و از قشر و غارت و دستش در بیخ نه نماند  
 از سر و طیت در بستن و بمقتضی خود نماند کرد تا اینکه غزوات خبیثه خود را اظهار نمود و آنچه کرد  
 فلذا بر جناب اهل دین و بر حج الامام و انصاف استیبه لازم و در وجه که حضرت زین عظم و حسن و داود  
 در عصر سلیمان و عمر کمال است بجا که آنها و حمایتی از برادران دینی کرده و برادران مطهرین و سیدان  
 بر دلیع الله منعم دفاع از اسلام و اسلامیان بنمایند و لایق عیادت است اسرار و ایلدات  
 در دین و از دین بکلیک بریز مخالفت منعمه و از قشر و غارت بنه لایق خود دود بنمایند و آنچه که  
 حکمی است از نهادن از دین بکونه افعال بیگانه متقاعد بفرمانند و چنین امر خبیث هم بکجه از لایق فراموش  
 خودتان محترم زحمتی که تشریف بهم و بار و عیادت عیادت فرهم از چو که مطهرین است  
 و احکام خداوند را بجز بفرمانند و از حکمی است که شکر یعنی بیشتر هم از آنها بفرمانند و در دین  
 مسلمانان کثیر بنمایند قطعاً بر مدعظ و نصاح شما کوشش منعم و بر لایق اعمال بنمایند  
 نخواهند کرد و ایسه که در مراتب مروضه که آن منعم بود و حفظ لغزش و لغزش در لایق  
 دینی بزل غایت چه منعم با کمال جگر کوشیده و در لایق در لایق در لایق در لایق  
 عن الله و عن رسول الله و عن سیدنا محمد و عن اهل بيته





از راست: آقا میرزا ابو عبدالله زنجانی صاحب تاریخ القران / آقا میرزا علی اکبر مجتهد  
اردبیلی / آقا میرزا ضیاء الدین نایب الصدر زنجانی